

اجرای لایحه مذکور و با عدم حمایت از تولیدکنندگان و بازرگانان داخلی، تراز منفی حساب سرمایه کشور نیز، حتی تا بیش از ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت.

مسائل فوق‌الذکر فقط گوشه‌ای از پیامدهای افزایش قیمت حامل‌های انرژی خواهند بود. نداشتن پاسخی مناسب برای این سؤال که چرا دولت در بحران

مکانیزم تعیین قیمت انرژی

در تنگنا

و رکود فعلی بسیاری از صنایع جهان، تصمیم به تحمیل رکودی ساختگی به صنایع داخلی کشور گرفته است، چالش اقتصاددانان و بسیاری از دلسوزان نظام است، چراکه در شرایط کنونی، می‌توان با تقویت مزیت‌ها، شرایط را برای ظهور بنگاه‌های جدید و حضور در بازارهای جهانی فراهم کرد. ■

ناراضیاتی در بخش مولد کشور - خواهد بود، اما به هیچ وجه قادر نخواهد بود رشد اقتصادی مدنظر مسؤولان را رقم بزند.

اکنون این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا دولت واقعاً یارانه‌ای برای انرژی پرداخت می‌کند؟

بر اساس بررسی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، هزینه تمام شده یک لیتر بنزین برای بخش دولتی ۸۰ تومان خواهد بود، در حالی که دولت با تحمیل هزینه‌های اضافی و سرسام‌آور ناشی از عدم کارایی و گستردگی بیش از حد خود، باعث تحمیل هزینه‌های اضافی و غیرواقعی و افزایش قیمت تمام شده محصول می‌شود. این سؤال که چرا بخش خصوصی نمی‌تواند در تولید حامل‌های نفتی و فرآورده‌های آن در شرایط ناموفق محیط کسب و کار حاضر مشارکت کند، همواره ذهن را به چالش می‌کشد! در حالی که همگی واقفیم چنانچه بخش خصوصی اجازه چنین فعالیتی را می‌داشت، نه تنها نیاز به واردات کاهش می‌یافت، بلکه به دلیل کارایی بالای بخش خصوصی - در قیاس با بخش دولتی - هزینه تمام شده تولید بنزین از ۸۰ تومان نیز کمتر می‌شد. با این توضیح به راحتی می‌توان دریافت که علت بالا بودن قیمت بسیاری از حامل‌های انرژی، انحصاری بودن تولید این حامل‌ها توسط دولت و عدم کارایی شرکت‌های دولتی در کاهش هزینه تمام شده این محصولات می‌باشد.

بر اساس گزارش امور بین‌الملل وزارت نفت و با توجه به این که قیمت هر متریک تن بنزین در خلیج فارس در تاریخ هشتم آذر ماه سال جاری رقمی معادل ۲۷۸/۲۳ دلار بوده، با تقسیم رقم مذکور بر عدد هزار و ۳۵۱ - فرمول تبدیل متریک تن به لیتر - قیمت هر لیتر بنزین ۰/۲۰۶ دلار است. با توجه به قیمت دلار در روز مورد بررسی که برابر با ۱۰ هزار و ۱۰۴ ریال بوده است، قیمت هر لیتر بنزین، ۲ هزار و ۸۱ ریال خواهد بود که پس از افزودن مالیات ۳۰ درصدی به آن و با احتساب هزینه‌های حمل و نقل و توزیع آن در داخل، قیمت تمام شده بنزین وارداتی در حدود سه هزار ریال برآورد می‌شود.

اما این نکته را نباید فراموش کرد که شرکت ملی نفت، برای واردات بنزین می‌تواند از ارز دولتی بهره‌برد که این امر باعث می‌شود قیمت تمام شده بنزین به شدت تنزل یابد که در این صورت، این رقم در حدود ۳۷۰ تا ۴۰۰ ریال خواهد بود. پس، چه در صورت تولید بنزین و چه واردات آن با ارز دولتی، هیچ یارانه‌ای به این محصول تعلق نمی‌گیرد. اما چنین به نظر می‌رسد که دولت به جای استفاده از ارز آزاد، از ارز یارانه‌ای - که همان ارز دولتی می‌باشد - به شرکت نفت داده تا صرف واردات بنزین نماید. در هر صورت، افزایش قیمت این محصول، فقط مالیات دریافتی دولت را افزایش می‌دهد، نه این که به حذف یارانه‌ها بیانجامد. ■

در حالی که هزینه تولید یک لیتر بنزین در داخل، رقمی نزدیک به ۸۰ تومان می‌شود، صحبت از پرداخت یارانه به این محصول، کمی غیرمنطقی به نظر می‌رسد.



چنین به نظر می‌رسد که طرح هدفمند شدن یارانه‌ها و سپس آزادسازی قیمت‌ها - خصوصاً آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی - راهی میان‌بر برای افزایش غیرطبیعی قیمت‌های انرژی در کشور باشد؛ نه آزادسازی بر مبنای قیمت‌های تعادلی ناشی از عرضه و تقاضا. با اشراف به پیامدهای طرح مذکور و با توجه به این مهم که معایب قیمت‌گذاری فرآورده‌های نفتی، بر حسب قیمت‌های فوب خلیج فارس، بسیار بیشتر از محاسن آن می‌باشد، ضرورت اتخاذ سیاست‌هایی که علاوه بر تأمین هدف طرح آزادسازی قیمت‌ها، کمترین آسیب را بر پیکره اقتصاد جامعه وارد نماید، کاملاً احساس می‌شود. در غیر این صورت، تعیین قیمت با شیوه پیشنهادی فعلی دولت بهتر است «کان لم یکن» تلقی گردد.

موضوع عجیب و سؤال برانگیز، در تعارض بودن طرح مزبور با اهداف اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است. زیرا این طرح با رویکرد دولت در راستای پیاده‌سازی اصل ۴۴ و به موازات آن، رشد بخش خصوصی در بخش‌های مولد کشور - به دلیل تبعات ناشی از گرانی قیمت حامل‌های انرژی و افزایش هزینه تمام شده در تمامی بخش‌ها - ناهماهنگ و متناقض است.

از طرفی، نرخ مشارکت فعلی اقتصاد کشور ۳۹/۹ درصد می‌باشد که بر اساس پیش‌بینی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، این رقم پس از

اجرای طرح مزبور به زیر ۳۸ درصد خواهد رسید. این که دولت برای حل مشکلات و معضلات بزرگی همچون کسری بودجه ۹۶ هزار میلیارد ریالی خود از رانت انرژی کمک بگیرد و به این ترتیب مشکلات و مسائل بزرگتری را برای مردم و اقتصاد جامعه رقم بزند، حرکتی پسنندیده نخواهد بود. دولت برای رفع چنین مشکلاتی، به حمایت

بخش خصوصی - که در سال گذشته رقمی بالغ بر ۱۹۱ هزار و ۸۱۵ میلیارد ریال درآمد مالیاتی را نصیب دولت نموده است - نیاز دارد. حال آن که وضع چنین قوانینی، اگرچه در کوتاه‌مدت چاره‌ساز بوده و منشأ درآمدی کوتاه‌مدت برای دولت - البته با ایجاد

